

صدق

ارژندگان راه معلمین

گزیده‌های از مواضع سیاسی معلم

- شاه را منسوب به ملت، دیکتاتور، توری، و نظام تک حزبیستی
- محسنی، ولایت فقیه، حکومت مذهبی، روحانیون
- در فرسوس، ابراهیم، ماستر فرسوس
- معادلس، مختلف، نژاد، اشرار توری
- مبارزه، تسلیم، نفاق، بورژوازیستی
- بی‌تفاوت

در می‌نهایت کوسر
تک‌رار خواهد شد
در هر طلوع
در هر طوفان
و شام تو را
بر گذرگاه‌های تلخیده آن
کاروانشان "صبح آگاهان"
خواهند خوانند

پیام دانشجویان ارشد
به سالکان طریقت آگاهی
یویندگان راه تربیتی

- تک‌ساز، سبزی، بدقولی
- ورسالت، تدوین، ناسون
- مذهبهای ناسنت، سازو ساز

بحران بحران، رازتای روزیم

روزیم مدخلی حاکم
تدارک، و الفجر خوسر
نسلگاه، دیگبری، رامسند،
سرمه‌اران خاکم که راز
سقای خوشی، رادرسوگرم
نگاهدختن، توده‌های محروم
دوروز میان جملات سوزگی
که جودریه کشش دانی مدعا
هزارین از آحاد ملت، به
تا راج، رفتن سرما به‌های
یادی، و قوای، ایسانجا معده
و فروریش هرچه بیشتر، و
عمیق‌تر بحران، سوددیگری
نظاره، بیافته اند، این بار
در ایام دکتوره‌ای، حمله
بزرگ دوبا روی را با وعده
"فتح نهائی" مقدمه می‌چینند.

اطلاعه "دانشمندان ارشد" در رابطه با
سوا استفاده از نام
"کاسون اصلاح اندیشه‌های خرمیستی"

حجسه باد ۱۱ اردیبهست اولین سده روزهمیستی کارگران جهان



سکون ویژه بیوزان راه معلم

- پیام هواداران آرمان مستعطفین
- به‌عنایت نه‌پس، مالگرد، هورت معلم
- بروزی سرحران اقتصادی نوسود در
- ایران و راه سروی رفتن از آن، (۲) (۱) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)
- امید، (دامتان کوتاه) از: "سپار"

نگاهی به رفرمیسم

"مکتبی"

با نزدیک شدن سرگ محسنی
و سایر لاکرفتن، تمام دعا و دیروسی
روزیم سرس مسئله، چاشنیستی
منتظری، طبیبی از نیروهای
رفرمیست، جا شبه قدرت سردر
حیث تشکیل بدیل، مطلوب
خوبش در برابر "خط آسام"
فعال گردیده اند. از این
میان می‌توان به هر چه
انقلاب امرعنا سری از نه‌پست
آزادی و حبه ملی، تحسنت
منوان، جمعیت دفا و آزادی
و حاکمیت ملت ایران اشاره
نمود.

بقیه در صفحه ۲

یویندگان راه معلم در مصاف با ارتجاع

کزارشانی از زندان قسم
(۳)

تفسیر خبری

آفات تهای ای طعمه‌ای
در دست حکومت
■ فاسون در خدمت جنگ
■ فاسون در خدمت مالکوسین
■ تسلیمات بنام مستعطفین

اما با اینهمه، آواخ گیسری روز افزون مقامت شده‌های آگاه در سراسر سیاست متک افروزی رژیم که مقامی بیوفی را در گردن او بخوان میباید. او را در صورتی در پی حکام و قواستین تجدیداً میروم که از مالتی - مانی، ... سرملیه که است که به این "واعت الهی" متن در نمیدهند، میتوان مشاهده و آرزوهای نمود. معزوم کردن متعولین خندقی از اردوواح، طاق، گرفتاری از اقر

عمومی، بکار ... در صورت عدم خدمت معنویت استخدام افراد شمول از طرف موسسات کارخانه - حات و سراسر تولیدی بخش عمومی و محاربات عمده مکار در صورت لغو این قانون از سوی مجلس مدخلی، دستگیری متعولین در روستاها و ... نمونه‌هایی از انبواست ز رژیم اردوواح - سروبرای داغ نگاهداشتن - تنگ نشان میدهد. امروزدیگر، جبهه تنگ طلست

و بنا بر اینکا در مکتب شوریا استمارا وی مدخلی حکام، در ذهن توده‌ها و شناخته شده تزار آن است که وی بشواید از طرفهای عوام برساند به آخوندی، ارگان سیاسی بیوسه و متزلزل حیات خویش را در پیست تقابلهایی چون "فناغ ملی" "خدا دینی" "پشتان ساخته" و مومن ندارد. وقت توده‌های آگاه و مقامات گسترده انسان خواهی است بر این حقیقت که رژیم را به سرعت، به دوره برنگردن، به عقب برساند. □

امانت‌های الهی

طعمه‌ای

در دست حکام

"این پشتانی، طعمه ایستند برای افراد، بلکه امانت‌های الهی است در دست ما" (مستطری) حاشین طعمه اما متعولان، مستطری که این امانت‌ها به این مقام ... میگوید هر از چند ما طرح "استقادات ما زنده، اوستان را رسا شنید" یا تمنا دی و رتانی سر زبیم مدخلی حکام، از سوی برای آئینه خویش آرزو ایتمه دی کتب کند از زبوسی دیگر، معزومنداری برای حدت سرورهای شناختنی و سایرین ... غناش که در گذشته دنبال همین سیاست، در زکی از شمس انبهای خویش با دردیگر رهموندهای در باب شیوه‌های مطلوب و جذبات مردنداری و دولت گردانی، سخن رانده و پشتپانذات با رنده‌های در این باب ارائه داده است. او که به مائیدساری ابرزدنداران دمزدنی رژیم فساد و بیستدگی نظام اداری، کشور، اقتصادی و فرهنگی است. تنها‌های تصمیم‌گیری دستگاه حکومتی، به خویش آگاه است و از درجه افتاد، زندگی این همه در میان مردم نیز، راه‌حل مناسب برای نجات آخوندی، به درستی گردید که در میان آنگار محسوران یافته است. تا قضا بیدمدن فرستد ما، معزوم، مالتی و ما تنها و متعلقهای بوده‌ها در مسیر برنگوسی معزوم رژیم گردید. وی در سخنان خویش، در تاریخ ۲۱ دیماه ۱۳۴۵ گفته است: "آقایان در هر منطقه ایستند سعی کنند که به ارگانها و ادارات آنها معزوم ارگانها بی که مردم نشترا آن سروکار دارند"

محرمانه - از رستن متعولها در می‌رسند و از سر مورد آنها با مردم مطلع شوند و اگر تعول و جیمی که موجب ناراضگی مردم با قاطعت عمل کنند. "استادان را نباید اگر در بعضی از ارگانها، کارهای خلاف شروع و با تعدادی اعمال می‌شود، یا هکاری زوقه قضا شده علوی آنرا بگردوند و نگذارند مردم را عیبی شود. و نه ارگانها و کل انقلابی ندمن شوند و قوه نقاشی تمام ساندوزان مکتوبه - موسسات مهم منافع و کژنانه‌ها - دنبال کنندترین نهاد انسان استاندان را و نه اصلاحات همه که در اکثر شهرها نه تنها در وقت متفاد قدرت کارکنان نشتات دولتی در شهرت تنها بوده اند. وی خواستار "علاست رواله قوی و مستحکم استاندان را و علما و زوفا نبین نشتاد در استان" معزوم گفته منظف جمع و مابندگان امام مدظله در استانها بشود. (اسرار)

مستطری که خود از سپهبدی معزوم وی امتیازی نماند آگاه است در استانها، معزوم به دست اندامی تاریخ اعلام و سبب انقلابی امام علی در امر حکومت داری شد، تا با نادمدنی ترتیب فرجی حاصل شود و گوشتی بدهکار □

یا و قیبا

۱- "آماندگی معاذ و اسلام" ایران برای همه کشورها، از احم واجبات الهیست. (فروردین ۲۶ همین سال اسرار) ۲- اطهارات رئیس ترسنت مدنی مجبزا ده!

"معزومها (وزر شکاران) امروز در جبهه و پشت جبهه مسئولان یک حرکت خدا نیبندانه مطلوب است.

یاسخی به چند نامه

۱- سراد در رمضان: نامه‌ها و بیجام شمارا در این وقت گردتم. امیدواریم در این مطلقا بشود از شما شنیدن سرمد موفق و پیروزتان شد. سراد زبندی از اسان

تقاضای شمارا میسر شد. عدون نیزه دریافت کردیم. برای آسودن نتره می‌توانستیم سبای بکمال و خوش ماهه آسرا که در پشت خیره در کرده است. به عذرتی پستی و احباب با یکی آس نیزه ارسال نمایند. موفق باشد. سراد در مرتضی اسرار بک

نامه مورخ ۲۰/۲/۴۶ نشان شد دستمان رسید. در نامه‌ها از ما در شماره نشره ای که در این وقت معزومان "ارکان درمی آید بر سریده، سوددو ارتباطش با ما - در این مورد تنها استواریدم. نشره مدنی شماره ۲۷ مراجعه کنید. در ضمن در معزوم اس نشره، معزوم شماره های اسرار - تاریخچه و مواضع خسود راه تکلی شروع معرفی کرده است. موفق باشد.

نگاهی به

فرهنگ‌پیمایی

مکتبی

فرهنگ را بنیادین حیا و کمال است. از آنجا که فرهنگ را می‌توان به معنی کلیه آداب و عادات و شیوه‌های زندگی و رفتاری که در یک جامعه پدید می‌آید و به وسیله آن جامعه از یکدیگر متمایز می‌گردد، تعریف کرد.

فرهنگ را می‌توان به روش‌ها و شیوه‌ها و آداب و عادات و عقاید و تفکرات و ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی و رفتاری که در یک جامعه پدید می‌آید و به وسیله آن جامعه از یکدیگر متمایز می‌گردد، تعریف کرد.

فرهنگ را می‌توان به روش‌ها و شیوه‌ها و آداب و عادات و عقاید و تفکرات و ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی و رفتاری که در یک جامعه پدید می‌آید و به وسیله آن جامعه از یکدیگر متمایز می‌گردد، تعریف کرد.

فرهنگ را می‌توان به روش‌ها و شیوه‌ها و آداب و عادات و عقاید و تفکرات و ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی و رفتاری که در یک جامعه پدید می‌آید و به وسیله آن جامعه از یکدیگر متمایز می‌گردد، تعریف کرد.

خط خدا بی‌رسان است یا نه و از هر چه باقی بماند می‌ماند. سرور و اوست که از سرور است. خدا اعلیٰ محض است و سرور او را می‌توان در سرور او دید.

سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید.

سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید.

سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید.

سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید.

سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید.

سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید.

سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید. سرور او را می‌توان در سرور او دید.

در زمانه کورسی، سارا کورسی

در زمانه کورسی، سارا کورسی
شدن همای سالی سالی بسوزد
سوزن دوری زخم قطره
رزمیستهای استخوان طلب نام
از اسکاژوت وقت تمام سوزد
علمان شده اند و کوریا ستغری سزا
با روی خوبی نشان دادن به زحمتی
از آن کورسی، لغات کورسی، سالی
کتاب و همه سالی برای کورسی
در سوزنا سالی دارند. اگر کورسی

«سران» استعلاء و در باره سخن مغلوب زواج است - مراجع تقلید معتقدند... توهّم سیرا کند، هفت «گفتنی» آن هیوزدستی است. گفتات گزینشت متروکی، رهف روحا است هالاست است»

حال آنکه تمادهای درویشی زواج است «عالت و مغلوب» از آنجا که هر یک انگیزه همنسب از تمایز تری از دیگری دارند هتوا و هتیر هفت «مخوفه» متعاقب متفرک نه تا زن میزنند لذا انتظار بر هتری نک کشن را از تخاصی از زواج است انگیزه انحراف تا شوهرتی است «مز» که تمادهایش دونش «که مکنی در بنی اخنا» بر ما بنده داری و فتودالم و سلطت وواستگینی است و دیگری خواهان هفتنی و تمدام تنظیم اقتضای اجتماعی است با هم و تفرق کار است متفرکات تمادهای فالست و تقطوب اجل و عقل مشهوره

با همه اجزش خطاب به میگذاری، ساشمر و در فیما ح و حیا با تدریس سوسید: «شاید هیچک از مستو لبهر و هر آن نظام جیهیوری اسلامی به انداز همارا اتفاقا در شوکتی نظام و پیروزه برداشتی از معضله و انحرافات بی گیسر ببودند»

و از روی انتظار دارد که با معنیتی که شما در جامعه و در بیان مردم و در نظام دارید، حق آن است که با کارکنان چنین ملاحظاتی غیر اصولی... لعله این رنگ یکدیگر با روی توشه میگذرد: «ما بدینا فرصت باقی است و شما آمرس شوهای نگا هداریده هما هنگی و اسام میسر دم فرورخته است، به مردم و شه سرورهای مبارز فرصت داده شود!... ممکن است افدما نی از این نوع خواندن نظام را در روپوش ندن با سینه و بجا آید بی متوالی رهاسی بختد، و ایستد تا شمرتمت و شمر بخشی در اینجا

امروز بهمت تویس نوعیدی است از هر زمان دیگر، شما و نقد یک مرز بندی سریع و قاطع متفاوتی و ما معما نشسته آرانی و آقا حق و صفی سنگنا توری و رهبری استعاری است و این راه به باروان گشتن آریسی کا و گوگنا له برستان، سل تشبیه تا تر ذاتن سلاج سینه نکا ف کتاب و عرفان و گشتن نفس و ترکت و یاد سع بقره همارا سر کرده

از ایروان و آلاسی سخن معلم است از هر زمان دیگر امسروزه ما بدی است که «ارو ما است چشم داغش نوعی ساده لوحی است که و پوزه» بیلدان میوام است و بر بدان بازاری و کراپیس بیما رکتند، گوزده ای مشکند با بدیسیان - گزاران بود - تا بیاید، در پشیره، گسار و بدیلوزی مبارزه سیرا سیر سلطی انقلاب وست بیاستر سر تحربه تاریخی از سد جمسال بدیسوبه ما آموخته است که «به حای کار از ما لامبست بیمنان مردم رفت و مغا طت را مردم گرفت» با این معما ره، «نظمیوری سیافکم به بردوشتم نم انگیز بگی از تا بدنگان فکسنری و سبیلیای سا می سر بران رفرو میم «گفتنی» دیگر میما در

عزای فاست برای رتد بهمت (دارد)؟! و افعا که در حه نشسته بود، اثر بران است و توهّم آفرینش، در رابطه با ما هبت و معش جا تشن غنسی تکلف آوراست، کوشتی خبیثات دیده همارا ز غما هت و نما ز روانت است از هدهزا رتد اسی سانیسی هنوز در ذهن ایشان این نظام را استی از هر گوزده شروعتت نسا حه است، که از منتظری انتظاکار تقویت ثبقت راد سرتا تر نظام ممین آرند! مردم گفته بود شدند «طنفا هال بقند»، لکن نه آنقدر گفته که تنها به غلبه نظام خودش نسبت نیا کند! منتظری سیتقصیر تر از این حرفا است، ما بدینه «بمان را گرفت که معلوم نتست میخواست منتظری را متصرف کند یا منتزوم

را از اسخا که سوسیده سه تا قن گویی عناقده و شیوه عمل خویش را هم بر سر خوان میبرد: «انحرافات برشته در ما سنی فکری، و طرز نگارش مشولیس سه سانیل حایم به و به سزگ سبیلی اخلاقی و ربطی و بالاترا آن ترکیب و تنظیمات نظامی ما هستند سرورهای تشکیل دهنده آر دارند... پس چرا ما بدینه سنا سناهی اصلاح طلبانهای (درو میستی) دلخویش کرد و ما بدیسوه هفتشان حرفا تحقیر تمادهای و با بر شویش پس با در بیرونی آنها و اینجا دو حد سیک بین طایر و معلوم، ما رنگر و ما رنه شده، سیمت و منگسرا و انعماز گروا بیما زیده استن

را سی هم چرا هوارا فراری باکت میشود که با دلخویش کردن به استرسی سانی کا ر سبیلی سانی سیرینی و رف میس کتا نیت مفی در مدخویش باحتس مفوبه عانی و معنی دارید گوزده تمیفران بدیسین سیدالک لالی هزله لالی هزیلا، اما با باراه (سی) در میان متفردان است سوی ایسان، به متفردان است (۲۲-۱)

ما خنا سنا به ما بطور که در مفاله «در این مانه استقلال با رفیم» (مندی ۱۳) است و مستمم «در ره اخلاقی، رهواره و به حای سیر سوزیم که ما ستر سخته تا ما نشه روان مترفند و متفول معلم آذینهای مات مال و سر هم ست تا بی محکم و معضف که همتت و بتد لحاف سنوانت، نام و بتد گزاران (۲۲-۱)

از رو سزگی ایس چرا بر زمینوار ما فطه کا ریمای گسرتو سیم اطلاع السی با رفرو میم، انگسای گروا سنی یا گسرتو میم و سومی فصل سیم گرایسی واقعیت سنا به سبیلی را سوبنا سیم ما ترنای لیستی نام میرد - امروز بهمت تویس پرهیدی سمش از هر زمان دیگر، شما رمز بندیک از هر سدی، خریع و قاطع اعتقاد، دی و جامه ما نشسته از دیو کا هزیوری دیکتا توری و رهبری استعاری است، و ما سر سر شالی میمانا و قران: «سایا در د، آنگاه که به تویس کتاب و فرق زه ایدیم تا

سرنگون باد دیکتاتوری استعماری حاکم

هدایت ما باید ... انگه که به قوم خود گفت بگو ما نهای را به خدا می گزیند و به نفس خود تسلیم گردید ... گفتند: این گنا و بر ما مشتبه گشته است ...

آری اگر ... امروز ما چه نجات و انقلاب ما پیش از هوشیاری نیست چنین تحولی به منظور ... کشف ... و مندا ... انقلاب از نامه ... به ما روان گشتن ... و گویا له برستان ... سر داشتن سلاح ... کتاب و غیراتی که ... و تزکیه ... میگرد ... دومت حضرت علی ... (در تمامت آن) هیچ ... سوسی ... این خط موهوم ... چاره ای ... دوازه ندارد ...

قانون در عدالت مالکین

تعلقات نام مستغنی

در شمار و های پیش خندق ... ای تحت عنوان ... خط امام ... که نگاه می ... اقتصاد ... از مستغنی ... سرما به داران ... سانی ... با اطلاع ... میتوان ... کرد: ۱- جلب حمایت ... از دست رفته ... مردم و رعیت ... منظور از نگاه داشتن ... ۲- منزوی کردن ... بلعنا با سایی ... در ادامه ... و از مستغنی ... مزین ... است در هر ... شرایطی ... نزدیکی ... ستن ... کابالی ... میان ... و رفتنی ... سراری ...

کا تا لایحه کردن ختم خود است در راضی از تحکیم قدرت خط امام و تا صلاح حمایت خود از شما را و خواسته های مردم محروم از اخبار ختم خود ها و از دیگران ختم شدن از اخبار و تا آنجا که گزینی به عمل آورده و این چنین عزمه را تشریح کرده ای انقلابی حالی نگذار تا در صورت بروز بحران استکار عمل را در دست داشته باشد ... سرما به داران ... از یک سو ... به تعمیمات و تنظیماتی و سیاست ... جناح ... مردم محروم ... طبقاتی و اجتماعی ... بیوجانه و خود زما مدار ... و خواسته های ... مردم ... این ... برای ... گفته گیری ... مناز ...

از گویا ... توسط رژیم ... خاک بر ما ... نهاده ای ... مردم ... اما ...

انقلابی ... افشای گسترده و سیاسی آن در میان خود ها و برده سرداشتن از اهداف و انگیزه های رژیم در این رابطه ... است ... بر گرداندن ... دچار موانع اساسی ... حل و بررسی ... اقتصاد ... دو کابلی ... جناح ... بافتی ... روحانیت ... اساسی ... انقلابی ...

روزمی که از همه با لکسی که از خطبه آمیازی ... کردنی دانش ... تعلیمی و ... های ... متحکمن ... و با ... چگونه ...

زحمتگان در سازمان لگنان و سرما به داران بزرگ باشد یا ختم خود ها ... در سر زمین ...

قانون در عدالت جنگ

اثری است ... مسئولیت جنگی ... کرده است ... اعزام ... میگرد ... سیمان ... که برای ... و اقتا ... سبزی ... فوا ...

اکنون که مردم ... باسع به ... خودی ... خورده ای ... شورای عالی ... ضعیف ... بر ما ... ای که ...

۱- اسباب و ... دلگیری و ... اعلام ... و متعلبان ... ناساز ... توسط دولت ...

۲- چیزهایی که دست ... و نه هر ... حسب ... طرف ... تسبیل ... کتا ... عمومی ... آنها را ...

در شمار گذشته (۲۰-۲۱) در مقاله ... موجود ... رفته از آن ... میگرد ... ۱۵ ... کتا ... آئی ... سوم ... در ... و ... (مطلب) ...

اطلاعه دانشجویان ارتاد در رابطه با وضعیت اعلامیه اخیر ارتاد

کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی

بنیام آگاهی و
بنیام آزادی

هموطنان آگاه و آزاده!

نیروهای مترقی و انقلابی!

در پی حملات اخیر شریعه "مجاهد" به پیوندگان راه معلم شهید شریعتی، در چند روز گذشته شریعه‌ای دردناک‌های روزنامه فروشی شهرپاریس گذاشته شده است. که با جعل نام "اطلاع" ارگان کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی، از شورای ملی مقاومت اعلام حمایت نموده است!

"دانشجویان ارتاد" برای اطلاع عموم از حرمان امر و رساندن آوری میکنند که:

پس از سرکوب "مخرداد دودری" پوزیشن و تمایز پانده‌اران روز خمینی به "کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی" و دستگیری بسیاری از امضاء و هواداران آن، تشکیل "دانشجویان ارتاد" و طبع اطلاع بنیام خمینی و سیاسی کانون را سرعده گرفت و اولین بار ارگان "خندق" در تعدادم خطبه‌نشریات "ارتاد و اطلاع" ارگان‌های کانون اطلاع در ایران منتشرگشت.

نخست نام کانون اطلاع اندیشه‌های شریعتی در پی برپه به آن موجود شده است که هزار چینی "مفله‌های آمانور" ساخت و عرضه شده تا برای تکمیلش بتوانند با سوء استفاده از بنیام و آرم تشکیل و نشریه ماهانه "ارتاد و اطلاع" (که از بهمن ماه ۵۸ تا خرداد ماه ۶۰ در ایران انتشار می‌یافت) در زیر لوگو "اوراق" خویش اختتام و طبعه کنند.

ما ضمن تقدیر حسن شده‌های استدال افشاء شده و ستمگانه "مفله‌دگری" را ارتداد و آشکارا ت حقوق تکمیلی و ضعف نام و آرم یک جریان فکری - سیاسی - اقتصادی گذشته و اعلام مسکرم‌های آن ساستی که در اوج افلاسی نسبت به دامن "مخرداد" معذور گویید و بار بار رسانست میشود، بدینست که رنگ ساخته است!

"شیرگون یا ددیکتا نوری انشعاری حاکم"

"فرق ارتاد دموکراسی شورایی فردا"

"دانشجویان ارتاد"

۱۳۶۵/۱/۲۷

مجله از صفحه ۱۷

موجود در آن (از جمله: درگیریهایی تبلیغی به میان حزب‌سازان انقلابی، با دزدان نیروهای سگ تشکیلات، مداخله گری در امور داخلی سازمانها و نیروهای انقلابی، همزونی طبعی و حرمان سازی)، مبارزه کنند، در ضمن حال که هشدار زانه از هرگونه تشنج آفرینی، تحریک سازی، شبه گفتنی‌های کاذب، موهومی گرفتن دشمن، و تصادها... بهره‌رزموده و فاطما به از آن جلوگیری می‌نمایند...

"بهره‌رزان استبداد بیرودمثل مطلق سیاسی: گفته معلم "نوری ترس" حیاتی ترسین و اساسی ترس رسال در دستگاران و البته به معنی انقلابی اسلامی، تلاش، مبارزه و بیاری اسلام است برای آنکه نتواند مرحله تکوینی خویش را تا کمال قوت و موفقیت بگذراند و آن حساسیتی ایدئولوژیک، بولدی درختان با آلم و بیرومندیافته باشد... و با که بلیبرم ۱۲۹۰ قرین تاریخ، هنوز

خجسته باد ۱۱ اردیبهشت اولین سده روز هجرتی کارگران جهان



«تربیدن نین علی الذین استخفوا فی الارض و تعلموا انهم یومعون الی الراضین» (نفس ۲۰)

یک مسال از اولین سال روز اعتصاب سراسری بخون تجیده کارگران شهرستان کوردرا بالات با متحدان سرک گذشت. اول ماه مه که به سال پس از سرکوت ۱۸۸۶، توسط کنگره موسس دومین بین الملل کارگری، بعنوان روز هجرتی جهانی کارگران شناخته شد، هر ساله در سراسر جهان از سوی کارگران سه نشانه اعتراضی سه سطح سرمایه به جشن گرفته میشود.

در این سده طبقه کارگر کشورهای صنعتی شمالی با تنگدل درندهکارها، با حقوق غیب شده خویش و از کف اسفنا و زگران و سایرین ضمنی تولیدات را ستاند، لیکن در طول همین یک قرن، نقطه خقل تعارضی عمده انقلابی و رهبری رادیکال انقلاب جهانی نیز از اقلیت کشورهای متروپل صنعتی شمالی به اکثریت کشورهای فقیر گاهداشته جیده جسمی یا به اصطلاح جهان سوم انتقال یافته است. در فضا هموستی با رهبری پرولتاریا «جهان گزین» جشن کارگری در اروپا و آمریکا، در مسیر اکونومیسم، سوسیال رفورمیسم و پاناما نتا و رسم استعنا به یافته و قریبی سیاست سرمایه داری ما زنی، یعنی آمپوروزوا زمان پرولتاریا میگردد. حکمت اخیر سوسیال دموکراسی در غرب و با زکنت عمومی محدوده راست کلاسیک و حتی افراطی، نهایتی و رنگتگی این شی است.

پندیده فیکت ما ن کارگران میچا، این یک نیک بردمان، دموکراسی پرولتاریا و پرولتاریا، «پرولتاریا» یقین نورد همی و استانه، قرن بیستمی غنی متقا لاسا زوات کارگران ما خرو شرفی در اروپا در این چندساله امتلا یافته و غیرتن قلبهای زحمتکش ما و میانه با الهام از ودا لشعوا میکت.

راه شیفن اسلام انقلابی، به تقویت این جنبشها انجامیده است. هر چند اسلامی درونی ساداری قلبهای این غله همان ارتجاع قرون وسطایی مذهب استعاری است. از جمله کارگران ایران که به امید تحقق عدالت ملوی و اعلام متراجا معه ماری از استنما و طرار قسط تومیدی سیاه چشم سرمایه داری دلال کمپرادور و دیکتاتوری شاهنشاهی، وابسته به امپریالیسم و فعالیت ملج ما چندین از گذشت هفت سال از استقرار جمهوری عینی در سراسر همه مناطقات استعاری خود، چه در وقت داشته اند؟

اینها سوز و زاری نگل، را د انداز محدود ما به میشتا و فراخوان به سرمایه داران فراری، افرا بشا زوات به سیردن کار ما نجات ملی شده بخش عمومی، دعوت از مستشاران خارجی و سنا پندگان سرمایه داری جهان سوسیالیزم و سایر جنبشها و وابسته، تدوین قانون کار ما دین سرمایه داری تحت عنوان با ن با ااره قفسه و «الامی گری» پیش نویس قانون کار، در حد سیمه های احتیاطی، معادل قبوی، روزهای تعطیل، مع کار کردگان، تسهیلات برای زنان کارگر، حق اعتصاب و یگا رکاردن مدرسان با شعار «امراض تولید و سوددهی با مدیریت بخش عمومی»، اصلاح خورا های کارگری و تنظیم آذین نامه و استقرار مراکز همیجی، تحمیت عنوان خوراها و انجمنهای «الامی»، دست بردن نسبت با سلسله همیسه زندگی در اوج ترمز باقی از رنگ قطع سیمه کلاسی، بنادین میدی سالانه، اخبارهای خود سراسر، و حتی تعطیلی روز کارگر . . .

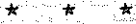
این استار زمان هفت ساله، امید متعلمان جهان برای کارگران ایران، هم اکنون جنبش کارگران ایران با شاگرد سرفوا شتهای برحق صنعتی و طرح شعارهای «دومین قانون کار محوب» نمایندگان انتخابی اتحادیه های واقعی کارگران، تحقق سیمه های همه ما سه احتیاطی (سیگاری سواج، نفس معقو، سیماری، کپولت و . . .) افزایش دستمزد متناسب با سطح تورم و هزینه زندگی، سرمایه داری علمی و اداره خوراکی و ادعای تولیدی، معادل تکمیل اتحادیه صنعتی مستقل، حق اعتصاب، تدوین طرح طبقه بندی متاثل توسط کارمندان، غیرنحیطی، تصویب قانون هفت ساعت کار روزانه، سلامت کار و هفتگی و دور روز تعطیل، ایجاد تسهیلات و حقوق مساوی زنان کارگران، متفق کارگران و دانشجویان کارگران ۱۶ سال، ایجاد نمازگاه و سینه، محل خوراکی، سینه، خدمات درمانی رایگان و کنترل سلسله شتی تر محصل کارگری برحقی هفتگی و ایالتی، دستمیت تعطیلی روز کارگر، خرابی بی باک . . .

این جنبش صنعتی و سوسیالیستی ما سی طبقه ملی و آزاد میوهای سیمه هک به ستن میروود ما سی جنبشگری سوسیالیستی، طبقه دموکراتیک، انقلابی، جنبش دانستیم و طبقه خود ستاند، اما منظور فعلی از سرمایه داری و زکنت سوان و زحمتکش کارگران، است. این به آگشای و تشنگی کارگران است.

از هر مدعت و ملتیت و فرهنگ و سزا و دوحس و سی هفت روز در سه مقام بله ما پراکنده و فقدان سازماندهی و رهبری و نظارت و انضباط زنده و پشگام و خنده و در برابر سرکوب و وحشانه کار را در انجام سرخیزد و خوشی مهور انگشته و معافیت های حمایتی کارگران راه حربه معافیت عمومی سراسری و سازمان یافته میل میسازد و رهبری شورائی کارگران و زحمتکشان را در خاتمه پیروزی انقلاب و سرپا ای دیموکراسی توسعه ایستی طراوتی و پستی است

سرگرمی و یاد روزم در کنگا سواری استعماری و جنسی
سرقت و سرانجام و معضوری شکرورائی نومیستی
سنگم یاد بسوزد حش دانتونئی با حش کارگری
سختی یاد معرف کارگران و زحمتکشان جنسی
کرامی نادان و لبس شناسنده روزجهانی کارگرشناسنده

داستان جوان ارشاد
۱۳۴۵ / ۲ / ۱



صفحات ویژه پیروان راه معلم

آهید!

از بهار

خورشیدت را در دانت کزوان
سما مد بهر اعلی خوب بود هوای
معدا زیاورن تا زه و مطوع هم
یاورن هوزوری اسفالت کسکت
خساکسودن باقی میده نود کارگر
خوان بک در میون به هوا میوزید
و با خوشحالی گام بر میداشته ز
چشمهای آینه سوراخه برتنگی
آسیده نودا و سه آسیده سوری
میوزد تا دود بهر آساید سپا
آسکده همسوزن ستارگی فرزندی
آزوده بودا و بوشن خود چندین
یا سرماراج برتنگی و تنفس
فرزندت از به با انگشتی خجاست
کوره ستارها و غا دودوا میدوارا
آزور و وریشن که نوز آسیدنیسا
آسیده بود در حالن هر اهریسا
نکر کرده بود که وقتی طلسمی
کوچولوش سرگی سته اچه کارها
که سفوا هذگرد با خوشی میسند
سنفود که حتما اورا میدرسد
سفرسته تا حتما درس خواند
و فوا بودا ای شود خوش کند
نخوا سخته بود هدا قلب طلسمی
خساکسودن را بکنند بیخا طرهمین
هم آگینه تا آهرین رقی کارکنند
خوا هذگرد بهر همیشه بچسبند
بولدا رها و نر و تمندان یا بد
تعمیر کسودن شنید و بچه هایسا
همسوزن ما روکش و زحمتکش یا قسی
میوزند تا زه ما با بدطلوی این
تسلطه ای که دست به حسابه و
نقد می نمی زند و دلا و هم تنفس
و کار آساید را انا معابد هم که چه
آقا با طر موعیت خوب کسی که
داشته ستو تنه میندش خندتار
به مملی تا بدید و تمعلگرده ای
تا رساید تا بدید از این ملکیت
کاره ای نشه مردم سراسری لبان
یا راهش بحشش کنسند سراسری
سوی نشی آه و بوشن کنسند!

ملی کوچولوشی طلسمی
آسکده سرگ کرده لبان تنفسی
شوییده همگی به چشم زده و
سوار بر ماشین برودا آسنگاه و
همه پیش اختیار ام میگذارد سید
پیش خوش گفت کارش زودتر
سرگشته کار تا مالیا و دینر بگذرد
در قبهه خانه همگی با حش
سنگمند : غلام ملی طلسمی
خوشحالی و قانتت سرهم زرات
آزوده : انشالله دوستش کسی
سازد انگشت تو راه ؟
غلام ملی شرح شد بوشن را انداخت
با شین اما چون برودا رفته بود
در دلت احاس برور میگرد
کارگرها رفتند سل کسان
غلام ملی همجی با در فکر بودگاه
زیر لب می خندد و گاه احساسی تو
هم میرسد
چاهی بود نزدیک دانشگاه
چاه میندی که داخل بچسب کار
گذاشته بودید و بسوله لوله های
ملندی که به هیچ وجه نرسیده
نود تا بلی زین آدامه دانست
دهانه چاه خیلی تنگ بود ولی
هر چه با شین میرسد گشتا دتر سکت
به همین دلیل جرتمقلی آورده
بودند ، میخواستند بچسب زحمتگر
کنند غلام ملی با چند انا زکارگر
ها به داخل چاه رفته بودند و کار
شان جدا کردن بچ و میسوره
لوله ها بود تا حرفش استعجاب
لوله ها را از چاه می کشند سوزن
چون لوله ها بلند بود و جرتمقل
نیسواست نیسکا و هه نشان
را میبرون بکنند هر بار که لوله
با زرسند در چاه به کوشش ای
پر تات سنده غلام ملی شتمیل کار
نود اما فکر طلسمی پیش

خوشی می گفت ساند کارگرند هم
سدا کسم انا قی غلی کوشنگه
و سداره سنگه مریش کسبه
انای حتما سدا سرگ با سته
عیس سداره اگه اما به کارکم
برای ضایع نوی خوسه هر کارگر
بنا را بسکده ریشته هوا هذند طلسمی
تا بخوش چاقی و چله و ندر سست
بته با سدا بقدر نوی سته که آری
همه سر سدا با خودوش انا دنگه
وقتی بچه بود دین ازین لایز
ور خوشی و بسکده سبه های محل به
کس و دولتی میریخته و جناسی
گشت مخورد و حتی اگر تنده
هر چیزی رو سراسر با قیمت آزاد
هم گشته بخرم و میخرم حتی
سای قوم بلی اهو عیسون
کعاشی کرده با میبوشن ادا دین
جال مار و سر میجی بکوشی
مادرت هوا است کعاشی تو
غلام ملی بکبونه خوش آمد
شور و کرده با زکردن سبب سار
خوشی را بدو و ملی و بلی دانست
سخراسی میگرد و بدم سراسر
دین میزدند و بچه هم بسود
دولتی با داشتند با ضرور ملی
را نگاه میگردند بچه دولتی
سپش میگفتند بچ سیری بچا سنا
سده هزار بار
سما با خواستم دا لایز
سوز مال و جوانیت سر جاش نیست
بگوفت کار بدستون سیدی و از
آخو هم و شایسته هه موسس
میکرد و تو اون سالا هوای تو
رودا نشه ناش کار بیسکت
غلام ملی رفت با لاکسل و سراج
ایستاد ولی هر چه میگرد
خواستن سوزا بشن سنا آمد اما
خوله کار زنده است آس با اون
با میگردن از او نر و می نشود سوزود
بش طبعه و ملی کوچولوش

های کوچکولو، استادمعلی،
به شاگردهای آقای دکتر...
کجو احسان دردمعینی
کرد. در آستان شد سودگه
دسا دورترین جرسد و جرسد...
مردم دست مبرند، ملی شود.
خدیجه بود، ملی رودت سردم
نالیوایشین مرفعت، لعلسه ای
خدیجه، و سبب شعی ای ساند از
نردرد کشد و دیگر نفهمند.
لحظه ای نمدن مرفی در حسی
فلامعلی کسا زرد ماه، روی
زمن افشاده بود.
درا تیرت با لوله، متصل

سه یکی ارکا ملهای داخل جابه
که توسط جرنفیل گس کرده بود
کابل شدت نیای فلامعلی
خورد و سوبویش را ارفتم
وان قطع کرده بود ویدن اجل چاه
افتاده بود. کارگران سبب
چشان از جده بیرون آمدن با
جرمان بودند، کار تعطیل شد.
بدن ریحور فلامعلی سبر روی
ثانه های کارگران شناسان
سوی سمارستان حمل منشد.
درین راه بدن منشد و لافش
که تاب و پفا و بت نداشت اربسی
رفت بود، اما در آخرین لحظه

یکاهن به دیگر کارگران
همایده بود، که ما رنگسوان
ما و لگران، از جرس جرسا
یکدشتدنی انده اسان را
سیرا سیرا سیرا دران،
سببنا یکن کونده، گامبستان
استوار، هشتان شعلت و
وررستان بیگسرا داد
فردای آروز، مسکاها ن
وقت کار، هدای بر عسروش
و گاهای استوار کارگران بود
که از دور دنیا طین ما کند
زومه، فلامعلی، صرف کسه
رزمه ها شود... □

مروری بر بحران اقتصادی موجود در ایران راه برون رفت از آن (۲)

روز سه شنبه ۱۰ مهر ۱۳۴۵

وضع آروزی

۱- دولت به نیت آنکه دارایی
و ذخیره آروزی جزو اراضی
استفادگین آرا فاعا - خود -
دارای کرده است، ولی توانهد
رایدی، در دست است که دلالت ستر
نه کشیدن ذخایر آروزی رزمه دارد
معاملات با بهای، قطع آرزو مسا -
قران ما رخی، گسرتی در سده آروزی
که بت ارا و فاع تا ساسا مع
آروزی رزمه دارد.

دراستحارای نمونه، سبه
گسودا، زویشیه آروزی و رایت
سایع سنگین، روزارت سابع
اتار ارا، خواهیم کرد:

۲- طبق اظهارات نوی، وزیر
سایع سنگین، سال ۱۳۶۲ میلون
آروزی ایروز از فاعا، ۲۴۰۰۰ میلیون
دلار بوده است، در صورتیکه در سال
۶۲ میل مبلغ ۱۶۲۰۰ میلیون
دلار گاهن با فاعا و در بودجه
آروزی سال ۶۵، سببیه آروزی وزارت
سایع سنگین، فقط ۱۳۵۰ میلیون
دلار در نظر گرفته شده است.
نمونه دیگر وزارت سابع است
که قبلا به تفصیل در باره آن سخن
گفتیم (۱)

۳- آروزی خارجی بول (سرخ آروزی)
آروزی رمال ایران، در باره سیر
دلار آمریکا، مرتساکاهن با فاعا
است.

۴- مهم بول در گزرتی
۵- مهم بول در گزرتی
۶- مهم بول در گزرتی

۱- مهم بول در گزرتی رانطه
سبب فاعا آروزی بول دارد. طبق
گزارش بانک مرکزی ایران و
مندوق بین المللی بول، حجم
بول در گزرتی، آرا سال ۷۹ تن
کمون، هفت ناله، در حال افزایش
بوده است. دولت در هنگام کسکه
سوده، هفتت ارسب سبب سبب
استقرار کرده است، و با بانک
مرکزی به استخارا سگستان سدون
بختوانه، دست زده است سبب
همه اینها، افزایش زور انسترون
بول در گزرتی بوده است، که یکی
از اسامی تریس دلایل گاهن آروزی
بول، تورم و گاهن مزد و اقمسی
میباشد. در سال ۱۹۷۹، ببول در
گزرتی، (بلاوه سببده ها) ۱۶۶۸۰۲۹
ببلیون رمال بوده است، که سبب
سال ۱۹۸۱، به ۲۴۰۰۰۰ ببلیون
رمال افزایش یافته است. همان
طوری که ملاحظه میشود، هزینه بول
در گزرتی، شدیداً افزایش یافته
است.

۱- رزمه آرا فاعا، ما تورم دست
نه گزرتی، مسوده، و اس ستر
تا گزرتی، سیری مسوده، است
است. البته دولت اخیراً مدعی
شده که، مرفین سبب گاهن درمد
تورم شده است، ولی ما سبب
همین در ما مع، سبب سببده است
که سبب سبب، تورم، گاهن سبب سبب
لنگه، رفت تورم داده است. در
۳- سبب تورم در سببهای سبب (۱۲)

سال	۸۵	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
سرخ تورم	۱۰۶۰	۲۲۰۲	۱۸۰۷۱	۱۹۰۷۲	۱۲۰۰۱۹۰۲

چنانکه در جدول آمده
ساله، تورم وجود داشته است سبب
توجه به اینکه این آما رها، سبب
بوده و از طرف دولت سبب شده
است. در صورتیکه تورم بول اقمسی
عملی سبب سبب است.

۵- سبب سبب (۱۲)
۶- سبب سبب، در کل آرا سال ۷۹ سیر
مزدقی طی کرده است و اسبب افزایش
تا گزرتی، آرا سبب رده، سبب سبب
رفت سبب سبب، نشان میدهد که
سبب سبب، صرف کننده و سبب
فروشی، عموماً، افزایش سبب
داشته است. در اسبب رابطه سبب
تورم، افزایش بول در گزرتی
فتره سبب، قابل توجه، و در گزرتی
است.

۶- سبب سبب، در گزرتی (۱۵)

سال	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۵
رمال سبب دلار	۷۰/۶۶۱	۷۸/۳۳	۸۳/۶۰	۸۶/۳۶	۹۰/۰۳	۸۷/۱۹
	6 September					

سنگاری زمین و زمینها در کشور به شدت متروک و خروبه و خشم مسجود ساخته شده است. کاروانسکها مسمومی مردم، سوز و سوخته هوا را با سنگ و مومینس با توجه به افزایش تورم، افزایش قیمتها و کاهش قدرت خرید پول، کاروانسکها را که مزدواقمی شدیداً کاهش یافته و محدود و پست رسیده است، هر چند مردمانی آسین گمانشکن افزایش یافته است.

ولی افزایش قیمتها، تورم و کاهش قدرت خرید پول اقتدار ما حتی آنکه سازموردگشایی مردمان واقعی به نصف تنفسول پیدا کرده است. اما در دینهای در این مورد در دست نیست. ولی از واقع می آید که جامعه و معشر با توجه به باسرتکلیف ذکر شده در بالا، با نگرانی سومی آید که مسئله ممکن هنوز باطل ساختن است و یکی از مشکلات مهم مردم است.

۲- درآمد هرمنه سبکی و وضع بهداشت عمومی و آموزش: با توجه به عوامل مذکور، عدم افزایش تولید ملی، کاهش قیمت، کاهش مردمان واقعی، تورم، افزایش قیمتها، واقع است که درآمدها، کاهش یافته و در معوضی هرمنه سبکی افزایش یافته است. اوضاع بهداشتی و درمانی نیز تا سالیان ماضی دشمنی و روبرو است. در کل، سطح بهداشت در جامعه بسیار پایین آمده است و اندک امکانات بهداشتی، بسیار در جهت برآورد نیازهای جنگ روان شده است.

کیفیت آموزش با نشتن آمده است. هزینه آموزش و پرورش، نسیه تنها در مقایسه با افزایش جمعیت، افزایش یافته است که دچار کاهش نیز بوده است. تاکنون نیروی دانشم بسیار اوضاع عمومی و بحران اقتصادی روزمیه تشریح خواست آن برآورد اختصاصی به شرح جدول و یا شرح به آنها و تجزیه و تحلیل بحران موجود و راهبهدافت و نظری خواهیم داشت برششوه و راه حلهای رژیم برای سرور رفتن بحران و در پایان، بدلیل و های متنگ و مورد آرزوهای قتر از خواهی داد.

اولین سوال این خواهد شد بود که چه عواملی باعث بوجود آمدن بحران شده اند. در پاسخ به این سوال، تا بدگفتن عوامل مختلفی در اینجا بحران شدن داشته اند. از قبیل مسائل فرهنگی، اجتماعی و غیره.

شلوغی سرداختهای مختلفی شاید علاوه بر اوضاع کرد، اما هیچکس در مورد هر چه روبروی سرنا میکی نمیتواند گفت داشته باشد.

۴- بحران بین المللی سرمایه داری: همانطور که میدانیم و نظریه هگان روشن است، اینها است که اینها است که با ما فغان احزاب کمکدو با از اقتصاد هیچ میزبیران میشود در سیستم وابسته تا هفتای بعد از انقلاب هیچ تغییر دانه نشده و سیستم ثابت روبرو باقی مانده، تنها فرقش که کرده است، آنست که

آنگونه هر چه روبرو پیشتر شده است. اما از رویا شکستی، هرگز گمانه نشده است و هفتین و استکی تندسند سیستم سرمایه داری بین المللی، اقتصاد ایران را تهدید و تا سر پیدر و آسم پدیدر نکرده است. بحران نفت، نتیجه مستقیم بحران سرمایه داری بین المللی است. تورم و جهانی نیز در سه هم عیوبی تعادل ساده کارا لایها روبرو بوده است. رکود و بحران اخیر از سطح بین المللی بیشتر است. از جهت جهان گرفته تا من شود و این به طرق مختلفی از جمله تحمل هزینه های جنگ از وجه اقتصاد کشور تا سر داده شده است.

و حال سیستم رژیم راه برز و رفت ایران را در چه مختصر سبک در مورد جنگ رژیم کسب گوی به جنگ خانه های آنکه ادامه داده است و هنوز سز لایسی سرمایه بان با فتن جنگ و هجوم ندارد.

در مورد تا من گیری بوده، رژیم افزایش مالیات بسیار بستن عوارض گوناگون، تسیر خدمات دولتی، کاهش واردات، آرا دگداشتن بخش عمومی سرمایه گذاری خارجی (در زمانه پنتن به طور مشروط و این بسیار سخن گفته ایم آوری کرده است، استقرار اربط ما یکی تسیر با لیا است که در دستور کار قرار گرفته است.

در زمینه برنا به برزی و وضع مالکیت نیز رژیم از سیاستهای روزمیه دنیا له روی کرده است. به وضع مالکیت مشخص شده است و نه برنا به برزی در کار نیست. سیستم همچنان در چه را چسب سرمایه داری وابسته با کسبی با نده است و نتیجه این در مفسر تا سر پیدری از تمام بحرانهای سرمایه داری بین المللی قرار دارد.

اینها فقط عوامل اساسی اقتصادی را خواهد هم آورد. به نظر ما، عوامل اساسی سیستم نیز، در مورد وجود بحران بین المللی سرمایه داری:

۱- جنگ
۲- کمردی بوده و از رها می
۳- عدم وجود برنا به برزی و سیستم اقتصادی منظم

۴- بحران بین المللی سرمایه داری

۱- جنگ: عامل اساسی بحران کسبی در ایران جنگ است. (البته دیگر چه عواملی مانند وجود بحران بین المللی سرمایه داری و تورم مدین جنگ بوده و چه گسار این جنگ سبب شده است. موضوع بحث ما نیست.) در اثر جنگ سوز و های نادی و آسای، از بسین رفته است، شهرها و کارخانها و بران شده است. تمام امکانات در جهت آن روان شده است. تمام هزینه ها به کشور تحمیل شده است، بدون آنکه سومی داشته باشد.

۲- عدم سرمایه داری: سرمایه داری خود اغخاص داده است. کارگزاران تولید کننده است و تولیدکنندگان دیگر که از کشیده جنگ است. میتوان پرسش کرد: کمردی بوده و از رها می که خود را چند مسئله متناهی کرده است:

۱- عدم تریس آنها، همان جنگ است که می تواند از رها می و بوده صنایع و امکانات زیربنا را روبرو ساخته است. از تولید در بخشهای مختلف گامته است و خود این مسئله، تسبب نتیجه مستقیم جنگ می برنا منشی و بحران سرمایه با از بین انگلیت از موجود صرف خود را منسل نظامی کشته و از طرف دیگر جنگ باعث کاهش تولید و وسع و تلفت و کاهش تا بر تولیدات شده است.

۲- یکی دیگر عوامل تا سنا ت بسیار مهم، تثبیت یک سیستم اقتصادی منظم و عدم وجود برنا به برزی در از مدت بسیار کمی زمینهای کشاورزی، کارخانها و هر روز دست به دست میشود، هر چه روبرو واقع میگردد، فرما است. یک روزمیه دره بشکود، یک روزمیه داده میشود، هیچ تباثی وجود ندارد. کاردهای تخصصی وجود ندارد و درها، متکل دیگر دست به دست هم داده است. هر چه بحران خود سازی میزند، یکی از دلش کردن دفاع میکند و دیگری از آزادی نمالکست اقتصاد ایران را من میگوید.

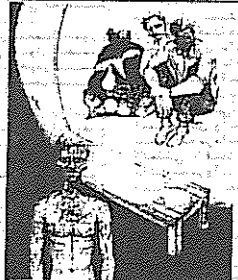
THE ECONOMIC INTELLIGENCER
No. 4 - 1375

- ۱۴- همان ماه
- ۱۵- همان ماه
- ۱۶- ماهنامه اقتصادی و سیاسی
- ۱۷- یکین روزنامه کیهان به شماره ۴۴

با و رقیبها
 ۱۰- مقاله: تعیین سرباست
 اقتصاد با و رقیبها
 ارتقا: «مقتضی شماره ۲۸»
 ۱۱- «۴۳۵» No. 4
 ۱۲- آما زنده و: سن الملک
 یول سه نقل: ازوشن ما سنگ
 مرکزی ایران

روزم سرای افزایش تولید و
 تا من بوده. دست به اقداماتی
 نبرده است که نجز به تکلیف
 آن با رها اشیاء ندهد. از
 یک طرف به قول خودتان میخواهند
 شرکتیهای سهامی را توسعه (۱۶۰)
 سرمایه گذاری را تشویق کنند و از
 سوی دیگر جنگ قسمت اعظم سوخته
 را با زور و میل مدونه این خاطرات
 که باید گفت سرمایه گذاری بدون
 سرمایه را فقط باید در روپاها
 و اراضی معال زرم میکنند است
 حال ما توجه به آنچه در سال
 تشریح و روشن شد، سببهای
 ممکن را ذکر خواهم.

دوره بیشتر موجود است. در اول
 ما زمانی و توهم سرمایه
 داری و است. نظم سختی به
 آن در همان جا خوب موجود است
 جناح بوروکرات - تکنیکریات در
 عدالت است که باید گفت دور
 نمای رویشی ندارد.
 دوم: وثیقا را فعل قطعی سرای
 خروج کشور ایران محل با مقبله
 ذکر شده در مالات.
 اول با میان دادن به عیسیت
 ارتقاعی و باز سازی خرابیهای
 حاصل از جنگ و هدايت اقتصاد
 در مسوادی و سالم.
 دوم: بطریقی و نگار استن یک مرتبه
 نامه روزی بیشتر گردیدن به نفس
 کردن و وضع مالکیت تقویست و
 سرمایه گذاری در صنعت کشاورزی
 توسعه و مگا سیر کردن سرمایه
 ریزی و باز آرمای سرمایه محصولات
 کشاورزی، تقویت قسمت گذاری
 عادلانه آن و تا من کود و سیر
 سرای این بخش سرمایه گذاری
 در صنایع مادر و صنایع وابسته
 به کشاورزی و معدن کردن و زراعت
 به کارهای حیاتی و حیاتیهای جدید
 میاید. مأمور
 تنظیم و تبادل ما جتن
 بوده و اختصاص بوده به بخش
 های حیاتی تر و جلوگیری از
 افتراط و تفریط، مویزه در بخش
 سوخته و زراعتی و واردات
 شرط لازم برای رسیدن به اقتصاد
 متعادل است. و راه عمل تنظیمی
 اصولی، علمی و عقلی، سرمایه
 رسیدن به استقلال و خودکفایی
 اقتصادی، خروج از کمبود سرمایه
 داری برای محور شدن از
 مواردی ناشی از آن، و سرقراری
 یک نظام مویسالیستی نه مستقل
 بوده که ضرورتی حیاتی، بسیاری
 حمایت از منابع ملی و توسعه ای
 میابد و چون هزار ملی، سنج
 نرسد و دسترس نبوده و سرمایه
 بیش نیست و حال آنکه به تمام
 هر چه و دست هر که به مردم تحصیل
 شود.



هوادران آلمان مستعفی در اروپا. اخیراً اعلامیه ای در
 رابطه با مقاومت نیا مقاله: تزکرت است. سازمان فدرالیستی
 افرادی رژیم اقتصادی است که همه ای حقوق فدرالیستی
 جلادان حاکم، مستقر بوده است. در این اعلامیه، ضمن اشیا و رای
 کوتاه به تاریخچه سازسازی و عقیدتی این سازمان فدرالیستی
 رژیم انقلابی و اختیاری حاکم، و در سر تکلیف فدرالیستی
 آلمان انقلابی، مقاومت و نایبانی قهرمانانه استوارین این
 سازمان را در زیر تکلیف های رژیم ارتقاعی معرفی کرده است.
 آلمان گوشه ای از این اعلامیه را، از سطر خوانندگان میگردانیم.
 پس از ۲۴ مرداد ۴۵ گردنای ما شانه را ریتا و ما کمر علیه آرا دیسای
 تیر شد برمود و ما کمیت سلاما زد بکتا نوری. و اختیاری فدرالیستی
 تکنیکی اعما، هواداران سازمان اتحاد سوسیالیستی و در
 ادا این شیاهای سیر و گرا در آرمایه. ۴۰ مرکزیت و گروهی از
 اعما، هواداران سازمان، بر طرف سرهای رژیم انقلابی جیبی
 سنگین شده و به سر تکلیف شده شده. هم اکنون پیش آرمای از دست
 گیری مرکزیت و اعما، سازمان ما میگردود و در این مدت رژیم
 ارتقاعی و تقرون و وسطای حاکم از دادن هرگونه اطلاعاتی از وضعیت
 آلمان به خانواده ها، پنهان خودداری کرده است. طبق اطلاعات رسیده
 در واقع رژیم ارتقاعی و تقرون و وسطای حاکم در میان جیبی سرای
 گرفتن معاصه، تلویزیونی، ارتقاعی سازمان با لایم معینا قیر
 سرزوشی و رهبرگیری آلمان مستعفی از سکا رسیدن هرگونه تکلیف
 و افعال و محتیا به ای درج کرده است. معنای نمونه میتوان از
 آلمان نگیناری مرکزیت و اعما، سازمان فدرالیستی اقتصادی
 و تکلیفهای هولناک تقرون و وسطای حاکم که معصومه اگر کار فدرالیستی
 از افغان، بدن معینا قیر سرزوشی شده است ما سر لازم به تذکر
 است که در چنین ماه حال گذشته (مال ۴۴)، یکی از اعما، سازمان به
 علت تکلیفهای طوفانی و محتیا به رژیم به یکی از سکا ریتا بیای
 تهران منتقل شده است. معاصون هواداران آلمان مستعفی
 از خارج از کشور، از زمان سازمانها، گروهها و شخصهای مترقی
 آلمانی و همچنین ارعما ما زمانها و معما بین آلمانی معاصون
 حقوقی متر میبوا هم که معاصی مطلوبانه و معاصی مقاومت و پایداری
 ری این معاصون و معاصی را به گوش معاصیان بر میآید.

مباحث ویژه: بیرونی و راه معلم

الحمد لله رب المستضعفين

پیام هواداران آرمان مستضعفین، بهمناسبت ۲۶ اردیبهشته بهمن سالگرد

«هجرت مشعل شهید، شریعتی»

ما دشمنان نفی از بیرونی و بیوسدگانی راه معلم با لبای خون چکان و میزوحمان را کثودیم تا بهمن سالگشت هجرت ها هر بزرگ معرمان را، به آغوش کشیم و با الهام از اندیشه های توحیدی و انقلابی در خاک گشت نشانی مکان، نهادیم و گمراهی و گمراهی را شوم و شوم و شوم را بر لبه زور و زور و زور نهادیم و شوم و شوم را مسلسل اندیشه و باغبانی از کلمات فروما رسد از تریب بلند خرا و خجندند و بیرونی که ما انلاگران آرمان مستضعفان ریش و زمان خود هستیم و همچون در همان گزشتی که بر سر سبک و استوار و صبور و غیره ملوفنا بهای سبک استوار و گشتی استاده نام و نسل تمینها و تحریفها و شتر میا و ازین محرر در بهای بیایی و به هراتها می، شوم کردن های با و ما ندگان از راه و اسرای عظیم را تا نسندی شاسته ها با شاکو کنیم

ما درین امر در عظیم جفا را در عین آید و در همان عظیم و بیباکی را ما تا مدت استوار زمان بر نیکو های دهشتناک و طوطی خون و غریت و با ایت میردادیم و در آن سرخشان بی باکی شمشیر کلمات را هورانی بر خنک خرا را بر وقت خنده های در سنجیک میگید و سر اسرو خنکشان را به آتش میسوزانیم و این همان آتش توفنده و سوخته است که کاج فقرت بیست

خنازان راه خاکستر با همی عدل خواهد کرد آری، ما ایمان به فردای بر مدین خورشید بر فروع سلی که بخروید و نسلهای منقطع و پیوسته را با شت بر میگردد و بیباکی خود را به آتش میکند، به استقبال بهمن سالگشت هم میرسد ها هر بزرگ معرمان میرویم، در حالی که اکنون مردمان خلقی فرسوده و آتش را بر پشت تحمل میکنند و بیازان فرزندی که آرام در سینه خویش حقیقتا میسوزند و روحشان بر ما هر قبیله ای که قبیله یار و با همی و ما وی به طریقه های خلق در دراز می، بیباکی گشت خاک گشت ارتجاع و اعناق و جود نریا دشمنان و شتر و حوش سبک شد تا ریش را زینت

هواداران آرمان مستضعفین

در راه و جاکتور

دنباله مقاله بیوسدگان راه

خویش به خدیم، حومه را بر رفتن بود آفته به راه ما میگویند شرم از چه چشم بسته مرا میگردانی شرم من ضعیف است و... گفت به شما میسوزد اطمینان کرد میسوزد خواهیم که اس منطقه را میسوزد - بی سبکی گفتیم اگر بفتش همی است که میگویند ما میسوزد بی که

خام سخته بودیم که سوال است شروع شد تا خاک گشت تو استیم شخص بدیم - نفر سوخت و میگذارد راه هم خط میگردید، وقتی تندید ها کا رگروا می نقد، تا قطع هتا را آقا زگردهند، خلاصه تا هنگی هم انظار را آنها کلسا ز رختنوار هر سر مدون بخشه به زده ان مستقل شدیم

ادامه دارد

بیشتر بسوی جامعه ای آزاد، آگاه، برابر

یویندگان راه معلم در مصاف با ارتجاع

روز هفتم تیرماه سال ۶۰

مدرور بعد از کودتا یوزیم چسوی
و آنفعا و دفتر مرکزی حزب چسوی
(۱۷۳۰۰۰) توسط مزدوران سیا به
یاداران در خانه مکتوبی خود
از اذیت خدمت، کسانی که برای
دستگیری من آمده بودند همچون
مدرکی از طرف دادستانی سیا
مراجعه با مطّاح قانونی سزای
مراعات من به همراه انداختند
آنجا اظهار داشتند که سیا باید
رانه اذیتها را تا آنجا بردارد
لطفا همراه ما باشد! من که
مفهوم اذیتها را ندانم و همراهم
را به اذیتها ندانم، بدون تفکیر
مفاد منی، لباس پوشیده و از
غایب خود غایب می کرده و شب
همراه آنها روان می رفتم. تخمینی
خروج از منزل رفقایان من
تخمین کردیم بگرفتند سرور و سفر
اطراف آنها را محاصره کردند و تا
خامان، جایی که ما شام فند
رنگ خمینی از سوخا پاریزک شده
بود در صافه آنها بودم. همه
ما شام نزدیک تدم دیدیم و بعد
ما لباس خمینی بردورون آوردند
اند بگرفتند فرمان دیکسی
در قسمت عقب ما شام، یکسای از
همراهان ما جنوس بیشتر را گرفته
در قسمت عقب را باز کرده و سه
دورن ما شام پیرتا کردند و
لانا ماله بر روی درگیا و ماکرند
و غیره می دیدیم و بسفل ازنده هوا
کرفت، ما شام سارفت از هوا
کنده شد، تبهدها سرور شد، سفر
بودند.

زیر خمینی نگاه کردیم همه -
شان لباسی ساه رنگ پوشیده -
بودند و سرپا ای خودشان، سیاه
و کدر می نمود، مثل شکر و اندیشه
شان، وقتی به محل سیاه
یاداران و زندان عملیات
(او ایستبه به سیا) رسیدم، ما شام
در جلوی در بزرگ زندان ایستاد
پاننده بری را از پنجره ببینید
آورده و به تکلیف نمود گرفت
درو را یکی زندانی آورده ام!
کلیهان بلا امله در راه باز کرد
و ناخن به داخل حایط رفت و
در کوهتای پارک کرد، از ما شام
بیاید تدم، بپوشی نگاه می
اطراف انداختیم، وضع غمناک و
عسری دادی تشنود، تشنای

اعضای سیا، از زیر و رو رفتن، مسلح
و آماده باش بودند، حتی در بالای
سام زندان و سیا، اطلحه مکتوب
نظروا شکی کار گذاشته بودند رژیم
و از روی مزدور نظامی - پلیسی
و حجت زده و عتقین همه چیز را
بسی با کینه، و هیچ حرکتی را از
نظر دور نمی داشتند، همیشه از
ما شام بیاید خدمت نگاهها
ظرفتان داشتند اما از خوش
شامی کسی چیزی سیر می شد
مستقیمه اطاق زندان راهما شام
تدم، از آنجا اتم و متعنا ترا
سر میزدند و شوالات و با مسخ
دیگر مکتوبی گذاشته بودند
یک تا منی در یک شلول جوستی
در بیرون آوردن سیر میزدند
از یک ساعت دو سفر آمدند و
چشم تشنه و با گذراندن از سوانح
عسری به دفتر زندان بر میزدند
در دفتر زندان، و موشه متعنا تدم
را بر میزدند و از سبب تشنه
اطاق زدند، یک رفتیم و هر چند
زندانی سیاسی همراهمان را
تجاهدین که قتل از زمان خردان
۶۰ در هنگام شتره مروتی و
دستگیر شده بودند، اکثر
زندانیان سبک هادی بودند
از زبان فاتحه ملول گریه
تا تعدادی تا جاقچی مواد مخدر
و طفولان مسلح و
هورک ساعت از ما زیاد شتم
گذشته بود که متوجه سرورم شامی
در گرفتور تدم، سدار رنگی
تحقیقات میمیدیم که سیا، قصد
دارد تمامی زندانیان ما را
از این زندان به زندان شتره -
سای او باغ در خیابان ساهنگ
منتقل کند - کار چند ما شام طول
کشید، سفا اظهار داشت ۲۰۰ زندان
۱۵ سفر از هواداران ما زندان
معا هدین و میکار را به سنده مسا
آورده، بعد از پرس و جو
از آنان مطلع تدم که هفتگی
در نظرات ۲۰۰ فردا در خیابان
سند زیاد و فرجه راه تدم
تهران دستگیر شده اند و در
سازدا اشتگاه های مختلف سیر
سیر شده اند، روز ۱۵ سیر سیر
شامی امرادی که در انحصار
دفتر مرکزی به هلاکت رسیده
نژودن در اعلام کرد سیر ادیو دفتر
زندان همان اماسی گشته

شده با اعلام مکتوب سفا شامی -
ار هواداران تشکلاتی ما زندان
در امور دستگیر کردیم آنها
مختف بود که این عملیات کار
تجاهدین سرورده و معا هدین در این
راه صلح مشولیت ششمی را
تسول نخواهند کرد، بین از یک هفته
۱۵ تیر ما تعداد زندانیان زندان
عملیات سفا از راه ای رسد که
گروهی از زندان، آنان مسرور بودند
که در گرفتور و سنده و درگسار
تولدت و معا موبالین مربوط و
کشف شلول خواننده، در همین
مدت کوتاه سفا اشتگاههای از
سعه ها برای زندانیان سبک
اطلاق یک نفری شتر سراج الاله
گذاشته شد، که حتی تعدادی از
سفا رسا معامله تبهدها را از
حسن فراتان شان در آن شترک
مگردند، ما دستگیری شنده معا هد
محمد علی مالک الرئیس روح
ظروف تشنای کفنی غافل شد
و تشکلات داخل زندان ماکر
سجدا سفا و مواد امسی و مقرر
سفا ت بوریا به گذار شد، سفا
فرایسیدن، اما ماه شام و کسان
از زندان نوزده ترک شستند.
تفاسی تشنای ماه زمستان را
زندانیان سفا را معا هد سفا
و سراج الاله و معا هد سفا
به من سرور شدند، البته اسامی
حدایت به سفا را سبک سفا
در سفا محمود سبک (مرکز
تشکلاتی تمامی سفا سراج و
تشکلاتی و سطل و سنده های
دیگر سبک کرد و مبرگوبه سفا
و ارتباط ملولگویی خود و
تعدادی از سفا را سبک سفا
عاشی بوده و اکثریتی را سفا
خامی و مبرگوبه از امسال و
رفتار زندانیان گماشته و طیفه
اس سفا سفا در سوش گرایش
و کشف ارتباطات و تشکلات داخل
زندان سفا سفا مبرگوبه ای -
اکثریتی سفا از مدتی که وظایف
مجله را بر عهده ای انجام میزایند
آزاد شده و معا مبرگوبه سراج
آنها را مبرگوبه
کریم ماه رمضان سفا سراج سبک
اطراف زندان سفا سفا سفا
سیاه مسور شده حایط زندان را
سرای سرگازی سفا سفا سراج
اعتبار زندانیان فرایسده
رکسین زندان (مادتی) و معا سراج
(حدی) می گفند سراج حایط
زندان را در اختیار آن قرار
سندیم که سفا اروماتسون
را سبک سفا سفا سفا سفا
لوژیک سفا سفا سفا سفا
که سفا سفا در سفا سفا سفا
استانده و گشته که سفا سفا
از سراج سفا سفا سفا سفا

انتخاب کرده ایم، بهرحال بهار
 عهد فطران اما مت آفای م... به
 ما آوردیم، پس از ساری یکی از ما
 شاور و حال خاصی بهما آوردیم
 پرداخت و به ما هدیه و بهار و پوست
 زیندگان و در اما کردیم، پس از
 با این مراسم بودیم چگونه
 حرکت تحریک آمیزین محل مراسم
 و اثرک کردیم، البته بعد سالی
 منوعمندیم که تمامی اعمال و
 رفتار و رفتارمان در آن مراسم
 (حتی متن را و نه زار و طبر
 معاطین زندان به دادگستری
 گزارش شده است.

در اما رحمان اتفاقاتی روی
 داده که کلمات ابرار در ضمن قوت
 می آورد...
 روزی ماه رمضان که کسی از
 اعمای آلمان مستمعین دستگیر
 شده و به زندان منتقل شده بود
 شده بود ما بدلا ما طه بسیار او
 تماس گرفته شد و سعی مائیل
 تشکیل دادیم. از ماطی زار دیگر
 ممدادیم، برای ماعا، برای می
 با بد زار طه هوا جوری که خبر او
 به مدت نسبتا کم برای زندان
 هر مدتی ما می گرفت امتیاز داد
 می کردیم، برای هوا جوری ما
 با داد و دستگیر به ما نل شد...
 می رفتیم و از آنجا به ماط زندان
 از آن دستندیم، پس تا در دستگیر
 لعه او رفتند معاط زندان
 استفاده می کردیم هر چه در پس
 زندان ما نل شد... ما می کردیم
 از آن که ما نل می ساختیم، را
 طی کرده و به سلول می بردیم در
 آنجا با فرد مرتزقا می می گرفتیم،
 به هنگام هوا جوری طی می کردیم
 یک لعه خود را داخل زندان
 به داد ما کردیم و تا وقت خود را
 به سلول می بردیم و خود را معرفی
 کنیم و معاط را جلگرافی به او
 می رسانیم.

این کار ما موفقیت انجام گرفت
 دیگری از اطفال نای شد ما منتظر
 بودیم و به محض ما زنگت بجه ما
 دستگیر از هوا جوری ما می ساختیم
 آمد خودمان رفتیم، ماعا از ماطی
 رئیس زندان (مادقی) و ماعا و متن
 (مدیری) به ماطی ما می شدند.
 ماعا بی اسم بر ما آمدند، دستگیر
 و دم در ایستادیم، نگاه می کردند
 برای بی به ماطی سلول رفتیم
 بودیم، با کسی نداشتیم، دم گفت
 میسکت را سردا و سردا شتم، بهیب و
 راست کوسندوی مورتم، کنترل
 را اوردت داد ما خود ما معطل
 کرده و ما ماطی سلول گفتیم، اینیم
 خرمومان اطفالی است که
 تمام سلیمان میسکت؟ هنوز مردم
 تمام شده بود که با کمک می کردیم

کوسندوی شکم، دیگر همزبانی
 می کردم، با ماطی که جا داد شکم
 زده بودیم و زنده نگه داشتن
 دهن زبانی ترده بودیم، ماعا
 ای که مقداری به ما آمد گفت
 کی دستگیر شده ای و چرا؟ گفتیم
 روزی در زندان بودیم چرا؟ البته
 میسکت چرا این سؤال را کردیم
 گفت ارجانه تا آن چه میزی شد
 کرده اند، گفتیم هیچ گفتگوئی
 دقیق و کامل ما به تا آن روز
 قصه از این ترار بود که وقتی ماعا
 برای دستگیری من به خانه آمدیم
 علت شرایط خاص و محاسن است
 حاکم بودن حوسمه گرفتارنا، فرست
 ساری از ما به ما رایسداد مکرده
 بودیم تا به پس از پرسش می بودند
 متوجه شده بودند که هیچ پرسش
 پرورده، من نیست، حرکت گرفتارنا
 از ما ساری که در روزی در زندان
 ارجانه دستگیر کرده و زندان
 آورده بودند، ماعا از آزادی از
 زندان میسکت که آن شب به ما
 خانه ما را هجوم برده و تمام خانه
 زار و سرور کرده ما نتوانستیم
 جز فرار میسکت آورد، موعای کسسه
 در ما به من موعود داشت، قبل از
 این هجوم یعنی بلافاصله میسکت
 از دستگیری من ارجانه رایسداد
 بود، آن شب تا صاف در زندان
 زندان توسط ماعا ذلی، و ماعا متن
 با جویبی شدم، ماعا زبانی ما
 حوسب با رحمت خود ما را به اتفاق
 را به دم بر ماعا بی شکم، ماعا
 با زگرده بودیم چون رایسداد از آن
 رفتیم بودیم ماعا دسترا لونه
 کرده بودیم، ماعا به ما رشیده
 بود، لازم به ماعا دوری است که
 ماعا بی نیت و تا چه کم تر مربوط
 می شود روزی ۲۹ خرداد.

۲۹ خرداد، روز شهادت معلم شهید
 دکتر شریعتی بود، در این روز
 از طرف کانون اطلاع اندیشه های
 شریعتی، مراسم، دروزر گشاده
 آمدیم، سرگرا می شد، که از روزی
 خرداد از طرف و زار دستگور (کتبی)
 به سرگرا از کسندگان مراسم
 اطلاعات داده بودند که این طله به
 علت وضعیت و شرایط ماعا
 کشور، ماعا متن، ماعا، سرگسزار
 نخواهد بود، به این ترتیب
 جلسه از در سلول شهید شریعتی
 سرگرا شد، که از طرف ماعا
 مرتجع، ماعا از حزب اللسه
 (اوستنه به حزب حاکم) ماعا
 هجوم قرار گرفت و تعداد زیادی
 از ترکت کننده گان منجم خود
 من در این مراسم زخمی شدیم
 ماعا جزای هجوم حزب اللسه
 منزل شهید شریعتی و اعمال
 ما با شکارانه آنها موعود است
 ماعا، است، به که از شرح و سبب

آن در اسما خود را می میسکت، قبل
 با سادانا را هم، ماعا قدران حزب
 حاکم، همان ماعا بی انجام داده
 که متن خود ما کمیت و محسن شد
 خلیبی، ماعا بیبه از ماعا گرفتیم
 آن خود را می کرده اصطلاح آنرا
 به کردن گروه های انقلابی و
 متفرق شده اند، ماعا بیبه هر
 زخمی بوده ساری ستان منتقل
 شد، بیس، زمین، ماعا از ماعا بی
 از شرکت کنندگان در مراسم که
 سقوط ماعا قدران زخمی شده
 بودند به ساری ستان منتقل شده
 بودند، ماعا بیبه ماعا بیبه کسسه
 سوست به رسد، دستگور ماعا
 گفت که به احتیاط ساری دستگور
 شامه شامنا کار میسکت شریعتی
 شده است و دستگور شریعتی در ماعا
 داد، البته به ساری از گرفتارنا
 کاغذ ماعا بیبه ساری از ساری
 ساری ستان ماعا بیبه موعولت آن
 هم ماعا بیبه ساری که ماعا بیبه
 ساری ستان در احتیاط زمان کدات
 از کسسه احتیاطا ماعا بیبه دستگور
 گفتیم، ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 زخمی زندگان و از برای ماعا بیبه
 با خود ما آمدیم، هر چه بود دستگور
 اسما را از ترکت گفتیم، بیس از ترکت
 ساری ستان به ماعا بیبه ساری
 اطراف ترکت ماعا بیبه ماعا بیبه در
 آنجا بودیم، از ماعا بیبه ساری
 انجام ماعا بیبه، از ماعا بیبه ماعا بیبه
 رفتیم که ماعا بیبه ماعا بیبه
 اتفاقا در ترکت مرکزی دستگور شریعتی
 از طرف ماعا بیبه.
 از اتفاقا دستگور که در
 ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 تعدادی از ماعا بیبه از آنجا
 و کاسون ایلیک بود، که توانستم
 توسط یکی از ماعا بیبه از آنجا
 خود داخل زندان را به ساری
 از خود ما داخل زندان ماعا بیبه
 شامتم، روز دوم دستگور شریعتی
 تعدادی از ماعا بیبه از آنجا
 معلم، از طریق سلول ماعا بیبه
 خوبی فرا خوانده شدم، ماعا بیبه
 رایسدادیم، ماعا بیبه ماعا بیبه
 در آنجا شامتم، راسته و ماعا بیبه
 یکی از ماعا بیبه ماعا بیبه از
 زندان خارج شدیم و به ماعا بیبه
 ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 که از ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 از طرف ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 اینها شروع کرده بودیم، ماعا بیبه
 کتا ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 مرکز جمع ماعا بیبه از آنجا
 شریعتی ماعا بیبه ماعا بیبه
 فضا شامتم گفت، ماعا بیبه ماعا بیبه
 ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 شروع از طرف ماعا بیبه ماعا بیبه
 از کسسه ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه
 ماعا بیبه ماعا بیبه ماعا بیبه

پیام دانشجویان ارشاد

به سالکان طریقت آگاهی و یویندگان راه شریعتی

سال‌های دگرگم گذشت، اینک ما در آستانه نهمین سالگرد هجرت و شهادت معلم ام. سرای ما پروان اسلام اجتهادی، بکه هجرت آماز تاریخمان است و معنت عظیم ایدئولوژیست‌ان شاعریت پناسر تحقق میباید، بنا دوازده هجرت معلم نیز معنای دیگری جز "گراوندانست" شرفانی و پیام‌دگرگری جز رزیده نگاه داشتن یا دوعا طره، یک شبهه در دوان تذکار روشن و مسلم این واقعت است که تا شهادت معلم دیگر مسئولیت تدوین و تحقق تثلیث سوسالیرم، دگرگراسی و عرفان که ایدئولوژی ما است و بتداوم طریقت آگاهیتش و آزدایشش، که عطف منسی ما است بر سالکانه های حیوان سنا سنا شده، و ما فیض و ارثان سزما به، فقر، کتاب و آزدگی که سمرات معلیمان سودنولاجی که در سراسر آرقین قوم قاسطن کمنته و "باکنس راه" روشن نشن میگرد و ما این میراث و باخبره، عسی این واقعت که این فکرو این راه عز ما و انتقال ما همکس را ندارد، و ما بهره برداری از دوعمنی که شریعتی در داشتش خود آگاهمان کزده بودیم، تحسیروم بودن و "رهبرداشتن" است که راه را از اذانه سدهیم، همچنان بی هیچ درگی که مسئولیت ما به تحسیر معلم، سکرگنی سنا رهبر ترا رهبران مشولی در هر نظامی و هر مغزی است و برای سنا این تقسیم بندی عادی و طبیعی که چند ساعت معادکن، چند ساعت کار، چند ساعت خودخواه نوانه کنسیر و چند ساعت راهی به خدمت خلق و اری به معروف و سی از سکر سیرداز، و سزه انسانهای طمن است خالی که برای ما مسئله مسئولیت و رسالت، مسئله ای وجودی است، که فلسفه، حیات و جهت معزوت ما هستی ما را حکایت میکند، و همه لحظه های شد و روز زندگی و شور و دوعا و کار و فراغت و اندیشه و احسان و هر یک زندگی و هر سنی کوفتمان را بر می سازد و از این مسئله "مسئولیت" سرای ما هیچگاه و خصوصاً امروزانه انجام وظیفه، نه تنها ادای حق در سراسر مردم و ایدئولوژی ما، که مسئله "موجودیت" بوده است! و نیازی به گفتن نیست که توبه نه این است که کاری کنیم تا سنا سیم بلکه برعکس ما سیم تا کاری کنیم!

پهروان راه معلم،

سالکان طریقت آگاهی!

در شرایط حاس و خطیری که سر مردم و ایدئولوژی ما میگذرد، در شرایطی که خفقان هیبت افروخته می شود و دیکتاتوری نقاب از چهره دریده و سرکوب سی ما مان و بی‌گیزینها سناست حکام اسلام فقهانی شده است، و در عسار اندیشه اسلام راه معات سناهی هر روز شکر میسوزاند و زلال پاک چشمه ایمان ما را به جبل و جور و لجن هر روز سیر میسوزاند و چنان کرده اند که این سنا و آرت سلاحدند اسلام خود چون ما زگریده از هر دستار سنا و وسیدی که مذهبنا مگرفته، سکر بر دوسر خود و نجات و اسه سوی دیگری طلب کنند و بلکه راهی دیگر میبندد و سنی و فرهنگ و تاریخ را ادع کهنگی زند و سناست ظلمی که سه حکم دین و فتوا ی شروع سر مردم مغرقت و جباللی که به سنا و دوعا و سیم اسام میاد کرده و فریسی که تا انسون دین بزرگوین این خلق خوانده شد، مذهب را نه اطلاع کند و این سزما به عظیم ایدئولوژیکی را به متولیان رسمی و مدعیان حاکمیت سنا بردند، مسئولیت ما به عنوان و ارثان میلاد جدید اسلام معارضه غیرت بر می شود، و سنا رزه ما دیگر تنها در مذهب سناستی علم دیکتاتوری مطلقه و سرکوب برای سرکوسی حکومت جور و جهل و جوع اسلام فقهانی، محدودیت می شود بلکه قراقرز آن رسالت عظیم "تدوین ایدئولوژی" و "تکوین سناصل اعتقادی اسلام اجتهادی" را پیش رود رس... و اگر در جنبه نخست همگام و همسنگر ما کلبه "مالین سبروهای مترقی و انقلابی متحدانه سنا رزه ما دیکتاتوری سر میگیریم، در حبه دوم تنها سیم، "سنا سنا بدو دما زکاری کنیم

دواشی برای دردمان، فوئی سرای گرسگمان! و اس واقعتی است که سال تمام تجربه اش کردیم. در این موقعیت، جا نگار ما در مبارزه با ماسای، ویژگی خاصی دارد. و از این رو نقش ماهی و مسئولان سنگی است. در استفاده هم در قتل سایر زانی و هم در جهت و موضع سنگی ای که اتحاد می کنیم. تا پیش از استقلال سیاسی، شخصی دقیق نظام اداری و سرچورد اولی تا اعتراضات درونی حتی در پس تا کینه و تلاش بر حفظ مفا و جداسازی. در هر میرا از استقلال سر و در جمل. طلق سیاسی. ما توجه به هدف و هدف اصلی کار خودوران تا خدمتی نکته سرخسای از این جهت و در این اندوخلوئی... سرای معوان فایویندهای نامت سازان در طرفدار شده با هم.

۱- استقلال سیاسی: در نتیجه، تعلم، تقابل گسترده گش و هم مخصوص نام و فراگیر یعنی در پس از نیا بدیوی همواره از نظر سیاسی در معرض تحریکات و سواستفادای یگوناگون، چه از جانب حکام فاعلی و چه از ناحیه دیگر خطوط سیاسی مذهبی واقع گردیده است. تعدد تکالیف سرور و آثر یعنی ویژگی اینها سیاسی متفاوت هر یک. زمینه را برای زمین سوا استفاده ها می و هم تسبیح سرداشته است مانند گذشته و امکان آن را که از آن تر تعنی معوان یک خط مستقل سیاسی (چشمه در اندوخلوئی و چه در این روش کلیات و جزئیات) در نتیجه، سایر زانی جامعه، ما طرح شود در محدود می باشد. اختراع خود در این تکالیف در مثال سرکوت، هر دو اندر بر این گدیگی نیروها و در نتیجه اتحاد عمل سایر زانیان با دیگر خطوط سیاسی بر دیگر سرعاً عمل دیگری در جهت الشعاع بقسوار در این استقلال این خط سیاسی بشمار مرتزقه است. امروزه وقت آن است که بیروان را به تر یعنی نیا تا گدیمر ویژگیهای خطی اندوخلوئی و سیاسی اعلام معاصر و خطی آنگاه از این خطی منطقی بر ماسای داشته، تر یعنی تمامی غنای و از این خط سیاسی مستقل از دیگر خطوط و در عین حال فعال در زمینه، سایر زانی بر ما را که گش را بیرون و گش و سرکوت گشای خاص اندوخلوئی ما و هم خطی... مان امروز در خطی سرخسای سیاسی اعتراضات گش و سرخسای سیاسی... اتحاد و همکاری، مستقل بیروان را به تر یعنی، دوره که که همسایه و پس گشرا شده.

۲- سرکوت و آزاده بیروان اداری: از این خطی حاکم و سرسختی و سرچورد اولی تا اعتراضات درونی همین در عین تا گدی و تلاش بر حفظ مفا و جداسازی!

شمار روز افزون تحولات سیاسی و فضا و زنده تا در درون تقویت بیرونی و انتقالی و سرکوت تمام اداری، یعنی بیکیابوری اجتماع ری حاکم و جیره، اصلی آن غمیسی طلا را که لایح القبا موجود فرار داده است و سیاسی که از قطع ۳۰۰ هزار ده که هته، فضا دغای درونی عین در مقابل ما سرکوت بی ایان بیروهای معاهد و سایر انقلابی توسط انواع حاکم، بقوهت میگراند، دورتر مضموم، اغلب حریمات سیاسی در عین تمرکز سرزدهای خود مول معور است نهاد تا قیانه انسانی آر آن گدشته اند و سر برداشتن به گدیگری اتحاد شیوه های سر امولای سرچورد، سرشسته و سربران درون جنبی امروزه اند و تنها به تنگی، گاملا در فلسفی تا حد طرح تقار سرکوتی و اتحادی هر از جدی به تحلیل و بررسی نیا جای رژیم و تر اند مردم شنوده کرده اند. و بنا به عکس ما اعتراض است که کل مسائل درونی جنبی (چه ساخت نظری و چه تحولات در و با بد سر و هائی سیاسی) و تا گدی و بررسی آن مایل، تحلیل فایرواح سیاسی خود را به معانی رژیم و بررسی ترا بسط ما نه محدود می کند. آنچه که در آن میان مشترک است نسبت به سرچورد اولی و یک... سیاست و در و اسط مایع سیاسی است که تا گدی و سر و علیه رژیم، در عین حال که عمل و خدمت سایر زانی را در سطوح کل سرزدهای معاصر یعنی و مدخلتی معط می کند نسبت به اعتراضات درونی عین سرسختی سرچورد کرده و موممی اولی ایجاد گدشته سرور و آثر یعنی تا مدما آثر گشرا اعمال در زمینه ساز و زنده گدشته توری اجتماع ری حاکم و حفظ همسنگی جنبه های کل سر و هائی سرری انقلابی سرکوتی سرور و اولی تا شغل عین سرچورد نموده و بنا بر اعمال

گزیده ای از مواضع سیاسی شهید شریعتی

اندیشهٔ معلم انقلاب، شهید شریعتی، که نقشی مزین و مستقیم بر مجموعهٔ نیروهای عترتی و انقلابی مسلمان از لحاظ فکری داشته است، پس از شهادت وی، از نظر سیاسی، در معرض سو استفاده هکذا و تعریفات گویاگون واقع گردید.

از چپ ترسین حرکات سیاسی مذهبی گرفته تا راستگرایان مرحوم، بخوار و در جهت توجیه مواضع و عملکردهای استعزازی خود، بسا ذلت تمام به تفسیر عقیدت‌های سیاسی اندیشهٔ و راه شریعتی، به تفکیک تولهائی شغالی و کثیفی، معمول با متعصب و بصورت پراکنده و پریده و پست و پیا شکسته میگرداخته اند.

حال آنکه «سرای فیه و تاشاخت اندیشه» یک منکر سیاست کلیت تفکر او را در ربط با مصادیق سیاسی مناسبات و شرایط زندگی و مسألهٔ «وی دریافت و به کار بست» اندیشهٔ تاشاختن از اختیار «اصول و سنت» منظم، محتاج به ملاحظت و اهلیت خاص خود است. کجاست خشی درک ساده و ابتدائی اندیشهٔ شریعتی نیز، بیشتر گرایساری را در نظرمانه، همهٔ ما سه مجموعه آثار و تفسیرات و ابای دیدگاهها پیش در روی ما یکدیگر بسپارند.

از اینرو، ما از این شماره، گزیده ای از مواضع مکتوب سیاسی خود مظهر را، بیشتر میسازیم تا دیگر اسباب و توهمی برای اشتهاء و ایجاد تشبیه باقی نماند. این دیدگاهها در رابطه با مهم ترین مسائل سیاسی روز انتخاب شده اند، ما میسازیم:

« شاه، با همیسی، بی عظمت، دیکتاتوروری و نظام نامتک حزبی، با میراثیسم و حکومت مذهبی، روزمانیت... »

« معینتی، ولایت فقیه، حکومت مذهبی، روزمانیت... »

« فر فر میسم، با استیصال لیسیم، با شریعتیسم، سر ما به داری و فساد لیسیم و غرور و سو زواری و... »

« ما همدین، مختلف زیاد، استراژی متنازه، مصلحانه، ایدئولوژی و تشکیلات، با پورتیستینای چپ نما و... »

« ما راکسیسم، لیبرالیسم، با لیسیم، ما خود لیسیم، کا ستروری و وین، جز آن توده، سو سالیسم... »

« اسلام معیبدی، تشیع فقهوی، سبقت رسانسین، و پروتستانسین، سد سما ل و انقال و ارتقاد، منسین... »

« آگاهیش و مسألهٔ سیاسی آزادیش، تشکیلات نو جمعی و مزج علوی... »

« دولت، رهبری، دیگر اسای، تبعید، مبعدی و... »

« که هم زمان با اینهمین سالگرد شهادت معلم، در مضعات و بزهٔ محرت و شهادت، بخدریجا به جای میرسد... »

سلطنت رژیم شاه، با انقلاب سفید، دکترا میسین...
 این سخن که از مجموعهٔ ۲۵ مضامینات ۶۰۴-۶۰۶
 اجتناس شده، ما لیس مقلات تکثیر شریعتی در مسوالی
 سالهای (۲۱-۲۲) است که همزمان با انقلاب سفید
 آمریکا کشی (زردها خانه) در غرب ایران آزاد چاپ
 شده است، که ما منضمی از آنرا در مجموعی رژیم شاه...
 انقلاب سفید، دکترا میسین و... درج میسکیم.

د از است در یک چشم سمر بدن تشکیلات به رژیم و جز سینی
 نه، حزب ملت و حزب مردم را بر عهده وقت از تکمیل میسازیم
 نه ما لم موجود تکثیر و با هم مقبول ما زره طفا قی و
 سیاسی خویشین گردیدند! و بقول یک کا مریط لیسیم
 و هوشیا را برای کسی که همان زمان گفت:

حزب ملت مخالف مردم
 حزب مردم مخالف ملت
 یکی از رجال به نوشتهٔ من، سخن فرودگه «به آقای انقال
 گله کرده ام که چرا کم لطفی میروید و با هم سمر در لیسیت
 حزب ما ورده اید، انقال گفت سخن رسیده، فرمودند
 «امشان را برای حزب مخالف نگاه داشته ایم و
 بنده بسا رشتنگر گردم!»

«جندی پیش کنشای سام رژیمهای سا سو سیم اولدم
 که یک مرتبه گفت و الهی سی من دست داد و برای این
 سو دگه تنوجه شد مردمی تیغ شش مال اخسرد را برای
 خودمان انواع و اقسام رژیمهای سیاسی را که در آن
 کتاب با دا ورده سو دگه است.»

رژیم طاقت حضرت آیت الله عجل شونی منضمی
 دادند که «ناقل از ظهور ما زمان سلطان ظل الله
 و عا کیم سو سلطنتین است، اگر گناه عادل تونما سدا و را
 شتا سنی گرد و اگر طاقت بود ما که در گه عدا و ندفلمت او را
 نسبت به رحمت سیران فرما بد.»

رژیم جمهوری پیش از ۲۸ مردا درخا بد سو شتد که تا
 کیون علی محمرت طبق اصل و مابیت ولادت سیران
 سلطنت میفرمودند، ولی حالا یک فرما ندیم عمومی و
 انقلابی همه مردم کشور را، نشان در ۲۸ سو سردا
 رای دادند و ایشان را از طریق انتخابات عمومی به
 زمانداری انتخاب فرمودند!

رژیم و جز سینی، سبازی از ما سطران رژیم و
 جز سینی را ابد ال معدادت، یک حزب راست و مفا فله
 کا رویک حزب چپ و فر فر ما شور یکی کا ریسکند و یکی
 کا را اورا منضمی میگردا و متفا کندند، یکی ما سینه
 طبقه مقتدر و دیگری ما سینه طبقه معروم و منضم
 آمریکا و عملاً لیگستان از اس موهبت سر موردا سید
 رژیم ایران که قدرت ارتعاشی و کشش لازم انقلابی
 را که آن همه لیسیندان تخیه میگرد سینی از تصوروری

ولی متفکما سار ذات حزبی طول کشند و هر چه ما هم
 کلکها زر عفتد مردم ما و رتگردند و مخرج و اختلاف
 وقت شنبه ای در آن

و علامه و علما رژیم ما اگر راستش را بخواند یک رژیم
 تا هتای ما کسی سلطنتی انقلابی است! و منظم طبق
 حیا سیاسی ما کسی بد هفتنه ما چند ما دیگر سید به یک
 رژیمها هتای می کوسیستی خواهد گردید!

در کشور ما هم جزینا هم میسفاوند، در شرح حمال
 ما با طاهر مرغان سوخته اند که مردی عامی و مسواد
 سو دشنی رفت نوی آ که نسل کشند سار از است در آورد
 اعجابی کرد که به یک ما رنگا بل بدل شده است و
 خودش گفته است: با صحت کرد ما و ما سست مرسا! اصح
 کردیم و وقت حزب تمام!

زما مازان با ایران سیر عو شتتا نه از اس رحمت
 تبدیل به عدا علا س غوردا رید و در فاطه چند مساه از
 جو مبه به سید کا ستر و و زتر ا به لیس منضما سید
 تبدیل شوند.

اما مردم ما سست ما و رید و سید ه ای آقا بان لیس
 همه زحمت و درد سبازی خودتان را ما زورده، ملت
 چون فرسب سبازی خودتان و تا زتر کسما
 سو دگه است از اس تا کشک خوب واقف است.

ترک کسما وقتی به دهی حمله میسرد و سکتند وزن
 وسیه را اسیر میگردند، برای اس که سیرستان را مردم

تقت پیام‌ها و سخن‌ها را بشنویم...
 چند سالی است که این مرحله را آغاز کرده‌ایم و نخستین گامها را برداشته‌ایم. بسیار کم‌تجربگی
 و کم‌تجربگی خطرناک و فاجعه آمیز توان بود گذشته‌ای است اگر از آن به غفلت نگذریم و نتوانی نشین
 و توانمان را تنها و تنها در یک محدوده عمل مطلقا سیاسی مستهلک سازیم. این کار موجب آن میشود
 که اسلامو در حین خفته شود و سیراتش خوا رجاها و نشاندن‌ها و ما دیگران باشند. دیگرانی که
 با رها نشدن، با دانسته‌جه میراث‌خوااران حق ناشناسی و دشمنگامی هستند. در چنین شرایطی و سبزه
 با توجه به مرحله‌ای که بهشت مجدداً سلام و تنگویی ایدئولوژیک آن در معرض است و باید که به تیز
 ساز و و تنگه‌علی و اساسی مسئولیت ما بر تنگویی و بندوبست ایدئولوژی است.
 از اینرو، با توجه به این اصول یک با دیگر با معلم همدا می‌توانیم که: "در کوله‌سار هر که در این
 طریق گام می‌نهد آنچه با پداسا شد مشتق است و با پسا و اخلاقی و تقوی و سیر خود آگاهی و روح و ناکامی
 و اعتماد و باقی العاده در تحمل سختی و عیانیت و تنها شی و قساوت قائلین حاضر و غیاب ایش و
 هنگامان ناکت و خروج ملمبه‌های متعصب و زشت و بی‌تقوی و تفصیر و فاسی و جاهل، که هر حقیقی و
 حق پرستی، آناج این سه جنبه ناهق است و مگر نه مظهر و محسنه حق‌علی در این سه جنبه است که
 و بی‌تردید، هر که علی و ارزندگی کند و علی را رکا کند و علی و ارشاد بگوید و علی و ارسا باشد
 همیشه با رسوشت محتوم علی بگریزد.

پس بیباکی پرستی، شایسته قدم، بیباکی گوش، استوار، بر خیزیم و گامی فرابیش رویم!

"دا بشنویم ان ارشاد"

۴۵ / ۲ / ۱۰

آدرخش کویر به معلم راه سیداری و زندگیم شبیدترینی

نشیان:

سرگذشتی رمزهای "سیکا بگی" و چون هرگز روشن نیست اب

آرام و نوازنگس، بردن‌های مفروق شه

فریبا رسیدی، هزاران آذرین امید، هزاران ستاره شادای، در دود درخشید، تویی که سرشار از "تفاوتن و شداختن" بودی.

دزنی‌ها بیت کویر، تکرار و خواهی شد، در هر طوق در هر طرفان، و نسا پتورا، سرگذرگا‌هایی تنفیده‌ان، کاروانان "صبح آگاهی" خواهند خواند.

جنگ خلقی، جنگ امروز است!

<input type="radio"/> کلاس برای پست و تلگراف ● khandagh ● B.P 135 ● 94 004 ● creteil-cedex ● France	<input type="radio"/> برای کلاس‌ها و روزنامه‌ها ● B.N.P 30004 ● khandagh ● No 0256551 ● Code: 00892 ● Ag-Kieber ● Paris, France
--	---